

نافرمانی مدنی الکترونیکی

رسانه‌های جدید؛ عرصه ارتباط و سازمان

شهره مدائن

مقدمه

قبل از ورود به بحث اصلی باید یادآوری کنم که منابع مورد استفاده در این مقاله اساساً مربوط به دوره منتهی به سال ۱۹۹۸ میلادی است. از آنجا که این مقاله، فشرده‌ای است از بررسی بارزترین جنبه‌های پدیده مورد بحث؛ امید این است که محدودیت منابع، سبب نقص جدی در آن نشود. در این نوشته سعی می‌شود به نحوی مختصر و فقط برای طرح مسئله، اشکال مختلف آن چه که نافرمانی مدنی بر پهنه رسانه‌های جدید نامیده می‌شود بیان شده؛ از مختصات کار و مبتکران و سازمان دهندگان آن شناختی نسبی ارائه شود؛ و به مباحث آکادمیک مربوط به آن نگاهی انداخته شود.

پیشینه بحث‌های نظری

بحث نظری در مورد رسانه‌های الکترونیکی و عرصه مجازی مخلوق آن، یک نقطه آغاز دارد؛ تکنولوژی، تکنولوژی‌ای که محصول پیشرفته‌ترین دوران سرمایه‌داری و انحصاری‌ترین روش‌های توسعه است، تکنولوژی‌ای که برنامه‌ریزی برای تکمیل و توسعه آن از ابتدا در کنترل اقلیت حکومت‌گر بوده و پس از آن توزیع و پیشرفت آن به شکل کالا و خدمات در انحصار بزرگ‌ترین شرکت‌های مالی جهان است. به زبان دیگر تعیین‌کننده تمامی تحولات در عرصه رسانه‌های الکترونیکی تا آنجا که به هسته اصلی و شکل «متعارف» آن برمی‌گردد، مکانیزم اقتصاد سیاسی حاکم بر آن است. تنها و تنها زمانی می‌توان از استفاده «غیر متعارف» از این ابزار یاد کرد که استفاده کنندگان مرزهای متعارف را به هم ریخته، مقررات اعمال شده از سوی حاکمان این قلمرو مجازی را نادیده گرفته و در «نظام» آن بی‌نظمی ایجاد می‌کنند.

عرصه تکنولوژی کامپیوتر به جامعه بشری شاید به کنترل شده‌ترین روش ممکن صورت گرفت. شاید هیچ‌گاه یک اختراع علمی که ظاهراً استفاده مدنی و غیرنظامی دارد تا به این حد دولتی نبوده است. اختراع و توسعه کامپیوتر را به عنوان مثال با آغاز کار اتومبیل - ماشین بخار یا تلفن مقایسه کنید. مسلماً بخشی از این واقعیت تاریخی به این نکته باز می‌گردد که تکنولوژی کامپیوتر بازکننده راه برای شکوفائی عرصه وسیعی از ابزارهای ارتباطی بوده است. در عین حال نباید فراموش کرد که از همان آغاز مشخص

بود که این تکنولوژی ظرفیت‌های نامحدودی دارد و عمومی شدن استفاده از آن بسیاری از مرزهای فیزیکی، بسیاری از محدودیت‌های قانونی و حتی کارکردهای اقتصادی را در هم شکسته و یا دگرگون خواهد کرد. اولین زمینه‌های بحث‌های نظری در مورد تأثیرات مدنی (مناسبات شهروندان با یکدیگر و با حکومت) تکنولوژی کامپیوتر، از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت. در دهه ۱۹۸۰ میلادی جامعه آمریکا به عنوان اولین کشوری که استفاده عمومی از شبکه‌های کامپیوتر را آغاز کرده بود در مقابل این سؤال قرار گرفت: جایگاه این ابزار در مناسبات مدنی چیست؟ آن چه که از آن دهه به جا مانده مفهوم «ارتباطات سیاسی» (Political Communication) است. این مفهوم که معرف یا به عبارتی در برگیرنده یک مکانیزم معین برای استفاده از ابزار جدید بود، از دل واقعیت‌های کارکرد آن در یک چهارچوب مدنی بیرون نیامده بود. نسخه‌ای بود که دولت آمریکا آن را برای تنظیم و هدایت آن پیچیده بود. نظریه پردازان و مدافعان این مفهوم (ارتباطات سیاسی) مدعی بودند که عرصه مجازی محصول رسانه جدید می‌تواند فضائی باشد برای بحث و تبادل نظر بین آحاد جامعه و حکومت. دولت‌ها از این طریق می‌توانند به شکلی فعال‌تر با ملت خود تماس بگیرند، سیاست‌های خود را تشریح کرده و از آن سوی خط ارتباطی، واکنش‌ها و نظرات شهروندان را دریافت کنند. به زعم آنها این ابزار می‌توانست دموکراسی پارلمانی را گسترش داده و تکمیل کند. این نظریه (یا بهتر است بگوئیم همان نسخه دولتی) خود جلوه بارزی بود از این که چطور با برنامه‌ریزی از پیش، اقلیت حاکم تلاش می‌کند عمومی شدن این وسیله ارتباطی را کنترل کند. عرصه بازی را خود آنها تعیین می‌کند، مقررات را خود تنظیم می‌کنند و بهترین بازیکنان را به عنوان تیم خودی به میدان می‌فرستند و البته رقیب اجازه دارد از طریق روش‌ها و کانال‌های معینی که برای آن مشخص شده در این بازی شرکت کند. حتی اگر فرض را بر حسن نیت بگیریم در این روش جائی برای آن مشخص شده در این بازی شرکت کند. حتی اگر فرض را بر حسن نیت بگیریم در این روش جائی برای حساب‌رسی در نظر گرفته نشده و بازی‌گران تیم رقیب بیشتر به موضوع آزمایش و خطا شبیه‌اند تا رقیبی برابر.

در سال‌های بعد و بخصوص از اوایل دهه ۱۹۹۵ میلادی. همزمان با